

"در جدال با خاموشی" ، نوری بر سیاهچالهای جمهوری اسلامی

ع- شفق

کتاب "در جدال با خاموشی" (تحلیلی از زندانهای جمهوری اسلامی در دهه ۶۰) نوشته رفیق اشرف دهقانی اخیراً در آلمان منتشر شد. در یک کلام، این کتاب بازگو کننده فصلی پر افتخار از تاریخ مبارزاتی کارگران و زحمتکشان ما در نبرد با استثمارگران و مرتجعین حاکم بر ایران می باشد. اما در توصیف این اثر ارزشمند باید گفت که اگر "ادبیات زندان" یکی از عرصه هایی ست که جلوه های برجسته ای از تاریخ مبارزات و کشاکش بین جنبش آزادیخواهانه مردم تحت ستم با دشمنان طبقاتی شان را به منظور رسیدن به آزادی و برابری منعکس می کند، "در جدال با خاموشی" فراز مبارزاتی جدیدی در این عرصه را به نمایش می گذارد.

"هدف ادبیات این است که به انسان کمک کند تا خود را بشناسد و ایمان به خودش را تقویت کند، میل به حقیقت و مبارزه با پستی ها را در وجود مردم توسعه دهد، بتواند صفات نیک را در آنها بیابد، در روح آنها عفت، غرور و شهامت را بیدار کرده.... به زندگانی جان تازه ای بخشد و آن را تکمیل نماید.." (هدف ادبیات- ماکسیم گورکی) ، به جرأت می توان گفت که کتاب در جدال با خاموشی چنین هدفی را بر آورده کرده است.

"در جدال با خاموشی" از زمره آن آثاری ست که در آنها "هم شهامت و هم خشمی سوزان وجود دارد. عشق صمیمانه و آزاد از آنها پدیدار است... و هرگز دست فراموشی به آنها نمی رسد، زیرا که در آنها حقایقی جاویدان ثبت شده که زیبایی ابدی از صفحات آنها ساطع است" (منبع فوق). خلق این زیبایی ها در کتاب در جدال با خاموشی، یعنی تصویر کردن مقاومت و پایداری نسلی از مبارزین جوان و کمونیست در یکی از سیاهترین دوره های تاریخ مبارزاتی کارگران و زحمتکشان ایران که تنها در پرتو برخورداری نویسنده از یک دید عمیق مارکسیستی همراه با ایمان او به پیروزی نهایی تمامی استثمار شوندهگان بر استثمارکنندگان و در هم شکستن و الغاء

مناسبات غیر انسانی موجود امکان پذیر گشته است، مناسبات طبقاتی غیر انسانی ای که ضرورت وجود سیاهچال و شکنجه گاه های گوناگون را در طول تاریخ ایجاد کرده است.

نویسنده در این کتاب از ژرفای خاطرات دردناک زندانیان اسیر و از دل شکست های یأس آور، نطفه های پیروزی را تشخیص می دهد. نطفه های پیروزی ای را که تنها و تنها از ورای پایداری های هر چند کوچک ولی دائم و توقف ناپذیر والاترین زنان و مردان در زنجیر، اما استوار بر آرمانها و تعهدات انقلابیشان قابل رویت هستند. در حقیقت نویسنده در دل تاریکی ها کورسوی روشنایی و افق روشن را می بیند و ارائه می دهد.

در دو دهه اخیر، در زمینه "ادبیات زندان" به همت بسیاری از زندانیان سیاسی، کتاب و مقاله و نوشته های زیادی منتشر شده و در آنها نویسندگان با نقل تجارب عینی زندگی خویش در چنگال شکنجه گران به توصیف زندان و جنایاتی که در این سیاهچالها برای بقای نظام استثمارگرانه حاکم صورت می گرفت (و می گیرد)، پرداخته اند. این امر طبیعتاً بخودی خود بیانگر نیاز و توجه موجود به این عرصه از مبارزه طبقاتی است. دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی نیز با درک نیاز فوق و برای پاسخ دادن به آن بیکار ننشسته و از طریق بلندگوهای تبلیغاتی و نیروهای وابسته به خود کوشیده است ایده ها و نظرات گمراه کننده و ضد انقلابی را در رابطه با شرایط زندانهای دهه ۶۰ در میان افکار عمومی پخش نماید. به موازات این تلاشهای ضد انقلابی همچون همیشه ما شاهدیم که نیروهای سازشکار نیز تحت تاثیر این تبلیغات و در پرتو نظرات انحرافی خویش به روش خود به همنوایی با این ایده ها پرداخته اند. اما حتی صرف این کوششهای ضد انقلابی نشان دهنده توجه بحق مردم ما و بویژه جوانان مبارز و جویای حقیقت به رویدادهای تاریخی گذشته است. جوانانی که امروز در عرصه مبارزه با جمهوری اسلامی فعال هستند و می کوشند تا با دستیابی به آثار انقلابی و مطالعه تجارب مبارزاتی نسل های گذشته و بویژه زندانیان سیاسی، در مبارزات جاری بر علیه دشمن سلاح آگاهی خود را هر چه بیشتر صیقل دهند. "در جدال با خاموشی"، در چنین شرایطی منتشر گشته است. کتابی که ضمن جمعبندی تجارب زندانیان سیاسی مختلف کاملترین تصویر را از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ ارائه می دهد. این کتاب که در ۷۳۰ صفحه انتشار یافته، یک کار پرارزش تحقیقی و پژوهشی در زمینه زندان می باشد و حاصل بیش از ۳ سال و نیم کار مداوم نویسنده در این زمینه می باشد. مطالعه کتاب مذکور نشان می دهد که در نگارش این اثر از تجارب به تصویر کشیده شده ده ها تن از راویان زندان و

زندانیان سیاسی در کتابها و خاطرات شفاهی و کتبی زندان، بدون توجه به موضع فعلی و یا تفکرات سیاسی راویان استفاده شده که این خود یکی از مهمترین نقاط قوت اثر مزبور می باشد. درست با توجه به چنین واقعیتی است که باید گفت "در جدال با خاموشی" موفق شده تا بانگ رسای زندانیان دربند مصیبت دیده و رنج کشیده دهه ۶۰ و پاسخی در خور به تلاشهای ضد انقلابی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و تمامی مرتجعینی باشد که در طول سالها کوشیده اند تا با اشاعه و القای وسیع ایده ها و نظرات ضد مردمی خویش در زمینه ادبیات زندان، مردم و بویژه نسل جوان را فریب داده و چهره دیکتاتوری حاکم و جنایات خونین و توصیف ناپذیر آن بویژه در دهه ۶۰ را مستقیم و غیر مستقیم تطهیر ساخته و نظم استثمارگرانه موجود را ابدی و غیر قابل تغییر جلوه دهند.

به جرات می توان گفت که برای تمامی کسانی که به هر دلیلی (از جنبه سیاسی، تاریخی و یا اجتماعی و روانشناسانه و...) مساله زندان و ادبیات زندان تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی را تعقیب می کنند، این کتاب منبع بسیار گرانبها و غنی ای از فاکتها و حقایق تاریخی را ارائه می کند؛ از این فراتر و مهمتر، آنکه نویسنده با بهره گیری از دید تاریخی و تجارب خود به عنوان یک زندانی سیاسی پیشین، از مجموعه تمامی نقاط پراکنده اما گرانبهای به تصویر درآمده در آثار موجود زندان، را جمع به ضعفها و قوتها، وحشتها، دغدغه ها، درد ها و رنجها و بالاخره پایداریها و مقاومتهای زندانی سیاسی در دهه ۶۰، یک خط ممتد و روشن از روند مبارزه طبقاتی در جامعه ما را ارائه داده و به خواننده علاقه مند این امکان را می دهد که صرفا در سطح رویدادها باقی نمانده بلکه به عمق پدیده ها رهنمون شده و از آن مهمتر قانونبندی های حاکم بر روندهایی که در زندان دهه ۶۰ جمهوری اسلامی جاری بوده است را با وضوح و روشنی و بر پایه تحارب عینی اسیرای ما درک کند. واقعیتی که اثر فوق را در جایگاهی بسیار فراتر از خاطره نگاری زندانیان درد کشیده و یا بازسازی و مرور تصاویر وحشتناک محدود به یک محل و ... قرار می دهد. در حقیقت "درجدال با خاموشی" با نگاهی ماتریالیستی به امور و تجزیه و تحلیل طبقاتی از واقعیت های زندان در دوره های معین (دهه ۵۰ و دهه ۶۰) مصداق این اصل در ادبیات مارکسیستی ست که می گوید "فروغ تئوری بایستی هر واقعیت منتزعی را روشنایی بخشد" (لنین- مطبوعات کمونیستی).

"در جدال با خاموشی" در دورانی که جامعه تحت سلطه ما در یک کشاکش مبارزاتی فی مابین توده های انقلابی و ضد انقلاب حاکم به سر می برد، انتشار یافته است. در شرایطی که دشمنان قسم خورده توده ها، در کارگزاری برای طبقه استثمارگر حاکم، موجی از یک هجوم وسیع ایدئولوژیک_سیاسی را بر علیه جنبش انقلابی مردم ما سازمان داده اند. آنها می کوشند تا علاوه بر بستن شمشیر از رو، علاوه بر کشتن و ترور و زندانی کردن و شکنجه مخالفین و مبارزین و نمایش این جنایات در انظار عمومی، با پخش ایده ها و نظرات ارتجاعی و ضد انقلابی در میان توده ها و بویژه نسل جوان، از انگیزه های مبارزاتی آنان کاسته و ایده های انحرافی را در میان جوانان مبارز، اشاعه دهند. در سالهای اخیر بسیاری از قلم بدستانی که به منافع طبقه سرمایه دار در ایران خدمت می کنند، در صدد بر آمده اند تا با جعل تاریخ، تجارب مبارزاتی نسلهای گذشته را تحریف و مخدوش نموده و در نهایت، امید به تغییر از طریق انقلاب و قهر و مبارزه مسلحانه را مستحیل ساخته و مبارزه را بی نتیجه جلوه دهند. در حقیقت تلاش دشمن و کارگزاران قلم بدستشان در پخش چنان ایده های انحرافی برای گسترش نبرد در جبهه تبلیغاتی و ایدئولوژیک، هدفی جز خالی کردن انبان ایدئولوژیک_سیاسی جبهه انقلاب از آموزشهای علمی و انقلابی و بالنتیجه گردن نهادن به نظم استثمارگرانه حاکم را دنبال نمی کنند. در چنین فضایی ست که "در جدال با خاموشی" بر بستر مطالعه دوباره وقایع دهه ۵۰ و تحولات دهه خونبار ۶۰ ضمن برشمردن برخی از مهمترین ایده های زیانبار و انحرافی ای که دشمن می کوشد با جعل تاریخ، در میان توده ها اشاعه دهد، خواننده را به واقعیتها رجوع داده و با یاد آوری حقایق و واقعیات، گوشه ای از تاریخ خونین مردم ما را در تخالف با تاریخ نگاریهای طبقات حاکم که مملو از پیرایه های دروغین و تقلبات تئوریک و نظری ست، بازسازی می کند.

آنچه تاکنون در افکار عمومی و در سطح جنبش چپ و در ادبیات زندان راجع به منشاء عملکردها و سیاستهای تبهکارانه جلادان جمهوری اسلامی در سیاهچالهای آن منعکس شده، غالباً وجه ایدئولوژیک رژیم جمهوری اسلامی یعنی اسلامی بودن آن است. همواره کوشش گردیده تا مبادرت جمهوری اسلامی به جنایات خونبار در سیاهچالها، اساساً با اعتقادات مذهبی و اسلامی گردانندگان حکومت توجیه گردد. در همین رابطه یکی از خطوط درخشانی که در "جدال با خاموشی" تعقیب و با اتکا به تجارب و واقعیتهای مادی اثبات می گردد همانا غیر علمی و پوچ بودن ایده فوق می باشد. "در جدال با خاموشی" با ارائه یک تعریف علمی و تاریخی از شکنجه به مثابه "ابزاری در دست حکومت های

مدافع طبقات استثمارگر" از آن به عنوان یک "ضرورت اجتناب ناپذیر" برای جامعه ای نام می برد که "پایه هایش بر ستم و استثمار بنا شده" است و به این ترتیب نتیجه می گیرد که "منشاء و عامل اصلی شکنجه در جامعه ما نیز در شرایط کنونی وجود سیستم سرمایه داری وابسته در ایران و مرتجعینی- اعم از سرمایه داران داخلی و خارجی (امپریالیستها)، حکومتیان و مدافعین ریز و درشت آنها می باشند که به هر ترتیب، حفظ این سیستم، هدف آنان را تشکیل می دهد". در این اثر با تکیه بر واقعیت‌های تاریخی در دهه ۶۰ و با بهره گیری از مشاهدات عینی اسرای مبارز و انقلابی در چنگال جمهوری اسلامی ثابت می گردد که دلیل واقعی مبادرت رژیم به جنایاتی چنان هولناک در دهه ۶۰ بر علیه مخالفین در سیاه چالها، نه برقرار ساختن "حاکمیت خدا" بر روی زمین و پیاده کردن به اصطلاح "اسلام ناب محمدی" در جامعه، بلکه تأمین نیازهای طبقه استثمارگر حاکم بوده است که جریان تحولات مبارزه طبقاتی در جامعه ما در آن مرحله طلب می نمود. "در جدال با خاموشی" تاکید می کند که در دهه ۶۰، حفظ نظام سرمایه داری و رژیم مرتجع حاکم از ضربات جنبش توده ای بدون توسل به جنایات مخوف و شکنجه ها و کشتارهای آن سالها و در یک کلام بدون حمام خونی که جمهوری اسلامی از قصابی بهترین فرزندان توده ها در کشور آفرید، امکان پذیر نبود. این کتاب آشکار می کند که قوانین آسمانی و مذهبی لفافه های ایدئولوژیکی بورژوازی بودند که درست بدلیل ظرفیت چشمگیری ارتجاعی شان می توانستند در دست طبقات حاکم برای توجیه آن جنایات عظیم در روی زمین به کار گرفته شوند.

یکی دیگر از خطوط درخشان "درجدال با خاموشی"، توضیح رابطه بین جنایات مخوف رژیم جمهوری اسلامی در سیاهچالهای دهه ۶۰ با سرکوبگرهای بی حد و حصر ماشین سرکوب طبقه حاکم در سراسر جامعه می باشد. درحقیقت رابطه زندان و جامعه تحت سلطه ما در این کتاب به مثابه رابطه طبیعی بین جزء با کل توصیف و توضیح داده شده است. نویسنده با تصویر اوضاع واقعی حاکم بر جامعه در دهه ۶۰ نشان می دهد که سرکوب وحشیانه زندانی سیاسی اساسا جلوه ای از مصاف رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی با جنبش انقلابی توده ای بود که نابودی این رژیم و نظم استثمارگرانه حاکم را هدف گرفته بود. در این زمینه، بررسی دوره های مختلف زندان از زبان شاهدان زنده و مقایسه آن با شرایط خارج از زندان در جامعه، کلیدی ست که اثر فوق با آن، این جمعبندی ارزشمند را ارائه داده و به این ترتیب سایه پر فروغ حقیقت را بر بسیاری از توهمات و ایده های غیر ماتریالیستی و مکانیکی رایج در این زمینه می افکند.

تیر آتشین ایده های مطروحه در کتاب "درجدال با خاموشی" نه تنها قلب جمهوری اسلامی - به مثابه ضد انقلاب حاکم- بلکه سایر دشمنان قسم خورده توده ها را نیز نشانه گرفته است، یعنی مرتجعین رنگارنگ دیگری را که اگر چه فعلا در قدرت نیستند، اما در دشمنی با توده های تحت ستم ما و کمونیستها و مبارزین هیچ اختلاف اصولی ای با قدرت حاکم ندارند. از جمله سلطنت طلبانی که امروز با وقاحت تمام می کوشند با اتکا به گوشه ای از واقعیت، یعنی ذکر ابعاد وحشتناک جنایات جمهوری اسلامی در زندانها، واقعیت برجسته دیگر یعنی جنایات رژیم سرکوبگر شاه را از اذهان مخفی نموده و یا کمرنگ جلوه دهند. امری که به نوبه خود باعث ایجاد آشفتگی و توهم در میان برخی نیروهای جنبش و یا جوانانی شده که در زمان حیات جمهوری اسلامی به دنیا آمده اند و اصولا تصویری از رژیم سلف آن یعنی حکومت شاه مزدور ندارند. در این رابطه نیز "در جدال با خاموشی" - هم با اتکا به تجارب وسیع شخصی نویسنده آن اثر، یعنی اشرف دهقانی که در دوره اسارت در چنگال مزدوران شاه، خود شکنجه های وحشیانه دستگاه سرکوب وقت را تجربه و تحمل نموده و هم با رجوع به تجارب مکتوب مبارزین چریک فدایی و مجاهد در آن دوره نشان می دهد که جمهوری اسلامی و دستگاه سرکوبش در ارتکاب به بسیاری از جنایات و تبهکاریهای خود در حق مبارزین در بند در دهه ۶۰، اصولا خط و آموزشها و تجارب ضد انقلابی سیاواک رژیم شاه را دستمایه حرکت خود قرار داده اند. این امر بطور اولی بیانگر ماهیت یکسان رژیمهای وابسته شاه و جمهوری اسلامی و همگونی آنها در دشمنی با توده های تحت ستم بوده و در همان حال نشان می دهد که جمهوری اسلامی در طول حیات ننگین خویش، به قول نویسنده، "تنگ ها و جنایات شاهنشاهی را به کمال" رسانیده است.

پدیده توابع در زندانهای جمهوری اسلامی یکی از زشت ترین، درد آورترین و مخوف ترین پدیده هایی بود که زندانیان سیاسی در چنگال جمهوری اسلامی در طی دوره ای از سالهای وحشتناک اسارت مجبور به مصاف با آن بودند.

در جدال با خاموشی ، پدیده توابع را به شیوه ای علمی و مثابه یک پدیده مادی و قابل توضیح به خواننده می شناساند. در این کتاب برای اولین بار ما به صورت مستند می بینیم که "توابع" بر خلاف برخی تحلیلهای جاری یک پدیده ناشناخته و موهوم و غیر قابل

شناخت نیست که صرفاً با ضعفها و خصایل فردی زشت برخی از زندانیان متزلزل و یا بریده توضیح داده شود، بلکه نشان داده می شود که توابع پدیده ای نوظهور در زندانهای جمهوری اسلامی و انعکاس یکی از کثیف ترین، منفورترین و دردناک ترین سیاستهای ضد خلقی رژیم حاکم بود. رژیم سرکوبگری که در مقابله با وسعت مقاومت و مبارزه در زندان کوشید به سلاحی جدید و خوفناک در سیاهچالهای خود بر علیه اسرا دست یازد. به این ترتیب که از میان زندانیان، زندانیان ساخته و برای ماشین سرکوب جهنمی خویش، مزدوران بی حیره و مواجب استخدام کند. نویسندگان با توجه به تجارب عینی صد ها تن از مبارزینی که در آن سالها شاهد ظهور این پدیده بوده و بطور روزمره در سیاه چالهای گوشه و کنار کشور مجبور به جدال با توابعهای مزدور شدند، این تجارب را جمع بندی کرده و در توصیفی علمی، هشیارانه و غیر قابل انکار آشکار می سازد که پدیده توابع نیز به مانند هر پدیده مادی و واقعی، در یک دوره خاص و در پاسخ به نیازهای مشخصی در سیاهچالهای رژیم جمهوری اسلامی بوجود آمد و پس از آن که نیاز به تداوم موجودیت آن در زندانها برای دژخیمان حکومت از بین رفت، مضمحل شد؛ اگرچه استفاده از توابع چه در زندان به مثابه جاسوسان مخفی در میان زندانیان سیاسی و چه در خارج از زندان در نقش مستخدم حیره خوار نظام در عرصه های مختلف جامعه و حتی در خارج کشور نیز ادامه یافت. کار پر ارزش نویسندگان در تحلیل این پدیده اما به همین جا ختم نمی گردد. برغم تمامی تلاشهای آگاهانه و نا آگاهانه از سوی برخی نیروها که در تمام طول این سالها کوشیده اند از زبان این یا آن خاطره نویس زندانی، القائنات خوفناکی در مورد "قدر قدرتی" توابعها (بخوان رژیم) و توان آنها در درهم شکستن هر گونه مقاومتی در زندانهای دهه ۶۰ رواج دهند، در جدال با خاموشی نشان می دهد که ظهور پدیده توابع در زندانها، اولاً نه مظهر "قدر قدرتی مطلق رژیم" بلکه انعکاس ضعف و ناتوانی جمهوری اسلامی در امر در هم شکستن و خرد کردن نسلی از مبارزین و انقلابیون بود؛ در ثانی نویسندگان با ذکر نمونه های بسیار زیاد و تمام نشدنی ای از مقاومتها و مبارزات درخشان و دلاورانه زندانیان سیاسی (در هر سطح و شکلی) بر علیه توابعان، این مزدوران بی حیره و مواجب رژیم در زندانها، نشان می دهد که سرانجام چگونه به همت پایداری زندانیان سیاسی مقاوم، بند زندانیان سیاسی مبارز از توابعان جدا شد.

بدون شک می توان در مورد ایده های متعدد و ارزشمند دیگری که در این کتاب با اتکا به تجارب و مبارزات جاودان هزاران تن از انقلابیون و مبارزین اسیر طرح شده صحبت کرد. اما برای اجتناب از طولانی شدن نوشته، بهتر است ختم مطلب را به مساله مقاومت

اختصاص داد و از خواننده خواست تا با مطالعه این اثر ارزشمند تاریخی، خود به قضاوت
برخیزد.

سالیان مدیدی ست که دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی با یاری تمامی مرتجعین و
نیروهایی که در حفظ نظام ضد خلقی حاکم بر کشور ما منافی دارند، سعی کرده اند تا
در ارتباط با حمام خونی که این ژیم سرکوبگر و اربابان امپریالیستش در دهه ۶۰ و در
جریان قلع و قمع جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان ما در سطح جامعه و بویژه در
زندانهای خود آفریدند اینگونه القا کنند که گویا دستگاه شکنجه و سرکوب رژیم تمامی
مبارزین و انقلابیون را "درهم شکست"! گویا هیچ کس، چه آنها که در ارتفاع چوبه های
دار و در مقابل جوخه های آتش جان باختند و چه آنان که سر انجام آزاد شدند، نتوانستند
در مقابل جمهوری اسلامی "تاب بیاورند" و "مقاومت کنند"! در رابطه با این موضوع نیز در
کتاب "در جدال با خاموشی"، اگر نمی توان گفت که برای اولین بار، اما با جرات می توان
گفت که به بهترین وجهی پایداری های و حماسه آفرینی های فرزندان انقلابی مرز و بوم
ایران انعکاس یافته است. اساساً، این کتاب منعکس کننده کاملترین تصویر های موجود از
پایداریهای فراموش نشدنی و مقاومتهای شیر زنان و کوهمردانی ست که برغم اسارت
در چنگال خونین دشمن و نابودی جسم خویش، حسرت در هم شکسته شدن روح خود
را بر دل سیاه دژخیمان جمهوری اسلامی گذاردند. "در جدال با خاموشی" فریاد گر وجدان
بیدار هزاران تن از پویندگان راه و آرمانهای طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم کشور ماست
که در آن دوره سیاه با سری افراشته و قلبی پر شور به پای جوخه های اعدام و حلقه
دار رفتند و یکبار دیگر این حقیقت تاریخی را ثابت کردند که با اراده پولادینی که اساساً
برخاسته از ایمان صادقانه به باورهای مبارزاتی و منافع خلق است می توان در مقابل
دشمنی هر چقدر هم قوی و قدر قدرت ایستاد. چنین واقعیتی را می توان در بخش سوم
این کتاب تحت عنوان: "زندانی، عرصه ای از نبرد طبقاتی"، دید. در آنجا به نمونه هایی چون
دختر نوجوانی که در زیر شکنجه و بدون گفتن نام خود جان داد بر می خوریم....به
مبارزینی که سرود خوانان به پای جوخه آتش می رفتند....به مبارزی که در مقابل جوخه
اعدام فریاد "مرگ بر خمینی سرداد و در بیدادگاه خود نیز گفت "اگر به من تفنگ بدهید تک
تک تان را می کشم...." و...به این ترتیب، "در جدال با خاموشی" روایت غرور و شهامت
کارگران و زحمتکشان در زنجیر و زخم خورده ما و پژواک فریاد آنها در نبردشان بر علیه
استثمارگران از پشت بارو های بلند سیاهچالهای دشمن ضد خلقی است.

پایان سخن

در دورانی زندگی می‌کنیم که دشمنان کارگران و توده‌های تحت ستم، برپای دارندگان سیاه چالها و شکنجه‌گاه‌ها، صاحبان تازیانه و چوبه‌های دار و تخت‌های شکنجه و ... ، از تمامی منابع بیکران مادی و معنوی خود استفاده می‌کنند تا صدای برحق توده‌های تحت ستم را در گلو خفه کرده و به خیال خویش با سرکوب مبارزات و مقاومت‌های آنان، عمر کثیف نظام استثمارگرانه خود را "ابدی" سازند. در جریان مبارزه برای در هم شکستن جنبش کارگران و خلق‌های محروم، آنها می‌کوشند تا علاوه بر اعمال زور مطلق، از تمامی امکانات تبلیغاتی و مطبوعاتی خویش نیز برای سرکوب توده‌های استثمار شونده و انحراف افکار آنان سود جویند. در چنین چارچوبی ست که در ارتباط با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی نیز ما می‌بینیم چگونه هر روز به همت طبقه حاکم و قلم بدستان و حامیان اش ده‌ها نشریه و کتاب و مقاله و نوشته زیر نام "پژوهش" و "تحقیق" و "تر دکتر" و ... در داخل و خارج کشور با پول "سیا" و "ساواما" و فلان دانشگاه و یا "موسسه خیریه" انتشار می‌یابد و متأسفانه گاه توسط جریان‌ات و افراد مدعی منافع مردم نیز بدون توجه به تعلق طبقاتی نویسنده و حامیان‌ش، دانسته و نادانسته به عنوان "اثر تاریخی" و ... تبلیغ می‌شود. درست در چنین شرایطی است که آثار واقعا تاریخی، آثار روشنفکران انقلابی طبقه کارگر، آثاری که در خدمت به منافع طبقه کارگر و خلق‌های تحت ستم و در جهت پیشرفت و تعالی زندگی توده‌های تحت ستم نوشته می‌شوند به انحاء گوناگون سانسور شده و با تنگ نظری تمام مورد بی‌اعتنایی بی‌مهری و حتی عناد نیروهای قرار می‌گیرند که ادعای دفاع از منافع توده‌ها و مبارزه با دشمنان آنها را دارند. موردی که بواقع تأسف بارتر است و جای تعمق و تأمل بسیار دارد.

انتشار کتاب "در جدال با خاموشی" (تحلیلی از زندان‌های جمهوری اسلامی در دهه ۶۰) نوشته رفیق اشرف دهقانی، فرصت دیگری ست برای تأکید و یادآوری این واقعیت که اگر این حقیقتی ست که تاریخ همواره توسط طبقات حاکم و زور مندان مورد تحریف قرار گرفته و در جهت تحمیق تودها برای استمرار نظم استثمارگرانه و ضد خلقی مورد بهره برداری قرار می‌گیرد، تمامی نیروها و جریان‌اتی از آن دست که در بالا توصیف شد باید بدانند که "در جدال با خاموشی" سند روشن و جاودانه‌ای ست که تلاش گرانبهای طبقات محروم ولی آگاه و عصیانگر برای نگارش صفحه‌ای از تاریخ واقعی را در خود منعکس ساخته است؛ بگونه‌ای که این کتاب محرک و آموزگار نسل جوان در تداوم مبارزه شان بر علیه دیکتاتوری حاکم و فراتر از آن نظام استثمارگرانه‌ای می‌باشد که عامل

اصلی تولید و بازتولید ستم طبقاتی و ابزار غیر انسانی حفظ این ستم یعنی زندان و شکنجه و اعدام است. "در جدال با خاموشی" صدای تمامی انقلابیون و مبارزین و در راس آنها کمونیستهای از جان گذشته ای ست که خارج از تعلقات سازمانی شان ، نه تنها در زندگی خویش بلکه در مرگشان نیز سراینده سرود آزادی و ایمان به پیروزی کارگران و زحمتکشان در ایجاد جامعه ای نوین و انسانی و بدور از هر گونه ستم و استثمار بودند. "در جدال با خاموشی" جمعبندی گوشه ای از مبارزات و مقاومتهای تمامی زندانیان سیاسی آزاده ای است که "به چرا مرگ خود، آگاه" بودند. این کتاب یک اثر تاریخی و متعلق به تمامی انسانهای مبارزی ست که قلبشان برای رهایی نهایی طبقه کارگر و تمامی محرومان و استثمار شوندهگان می تپد و خود را ادامه دهنده راه و آرمانهای جانباختگان دهه ۶۰ و مبارزات آنان بر علیه رژیم سرکویگر جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری حاکم بر کشور ما می دانند. در نتیجه مطالعه این کتاب، تلاش برای کاملتر کردن اطلاعات آن و از آن مهتمتر انعکاس و رساندن پیام آن در سطحی هر چه وسیع تر به انسانهای تحت ستم ولی مبارزی که الهام بخش نویسنده در نگارش این اثر بوده اند یک وظیفه والای انسانی و مبارزاتی ست.

بهمن ۱۳۸۶

این کتاب را می توان از طریق تماس با ای میل زیر تهیه کرد:

[jedalbakhmooshi@yahoo.com](mailto:jedalbakhamooshi@yahoo.com)